

در محضر نور

امام جعفر صادق عليه السلام

مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ وَ فَتَحَ بَابَهُ وَ رَفَعَ سِتْرَهُ وَ نَظَرَ فِي أُمُورِ النَّاسِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُؤْمِنَ رُوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَدْخُلَهُ الْجَنَّةُ.

کسی که کاری از کارهای مردم را به عهده بگیرد و او در (محل) آن کار را (روی مردم) باز کند، پرده آن کار (و موانع آن را) کنار بزند و با دقت به امور مردم (جهت کمک) نگاه کند، بر خداوند است که روز قیامت او را در امان قرار دهد و به بهشت برد.

ایثار یکی از فضائل اخلاقی است و مقصود تقدیم دیگران بر خویشن با داشتن نیاز است. لغت‌نویسان نیز آن را چنین تعریف می‌کنند: ترجیح غیر بر نفس در کمال نیاز و احتیاج. فرض کنید هوا گرم و سوزان است. فردی جرعه‌ای آب در اختیار دارد که رفع نیاز از یک نفر می‌کند؛ ولی دوست خود را بر خویشن مقدم می‌دارد و آب را در اختیار او می‌گذارد.

از این مثال ابتدایی می‌توان معنی وسیع ایثار را درک کرد و در هر موردی از موارد که فرد خود نیازمند است؛ ولی از بهره‌گیری خود صرف‌نظر کند و آن را به دیگری واگذار کند، ایثار صدق می‌کند و این حاکی از بلندی نفس و علوّ همت است.

قرآن مجید در دو مورد از ایثار یاد کرده است:

۱. در مورد انصار آنجا که صفات انصار را می‌شمارد و می‌فرماید: ﴿وَيُؤَيِّرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾؛ آنها (مهاجران) را بر خود مقدم می‌دارند؛ هرچند شدیداً نیازمند باشند.»

مفسران در شأن نزول این آیه داستان‌های متعددی نقل کرده‌اند که ما به‌نقل یکی از آنها می‌پردازیم:

شیخ طبرسیرحمته الله در مجمع‌البیان چنین می‌گوید: پیامبر اسلام ﷺ روزی که بر یهود بنی‌نضیر پیروز گشت و زمین و اموال آنان به‌غنیمت گرفته شد. به انصار فرمود: اگر مایل هستید، اموال و خانه‌های‌تان را با مهاجران تقسیم کنید و در این غنایم با آنها شریک شوید و اگر می‌خواهید، اموال و خانه‌های‌تان از خودتان باشد و از این غنایم صرف نظر نمایید.

انصار در پاسخ گفتند: ما اموال و خانه‌های خودمان را با مهاجران تقسیم می‌کنیم و از غنایم موجود چیزی درخواست نمی‌کنیم و مهاجران را بر خود مقدم می‌شماریم.

آنان در اینجا برای دو نوع ایثارگری اعلام آمادگی کردند: هم اموال و خانه‌های خود را میان مهاجران تقسیم کنند و هم از غنایم چشم‌پوشی نمایند.

۲. در مورد امیرمؤمنان علیه السلام و خاندان او علیهم السلام چنانکه می‌فرماید: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَتِّهِ مِشْكِينًا وَنَيْتِمًا وَآسِيْرًا﴾. غذای خود را با آنکه به آن علاقه و نیاز دارند، به مستکین و یتیم و اسیر می‌دهند.»

در این آیه هرچند کلمه ایثار نیامده است؛ اما واژه «علی حته» (با دوست داشتن طعام)، دلیل بر وجود ایثار است؛ یعنی با اینکه آن غذا را دوست داشتند و مورد نیازشان بود، این سه گروه را بر خویشن مقدم داشتند.

شأن نزول آیات حاکی از آن است که امیرمؤمنان علیه السلام و دخت گرامی پیامبر و حسینعلیه السلام روزه گرفته بودند. در موقع افطار یتیمی در خانه آنان را زد و اظهار نیاز کرد. آنان با آب افطار کرده، طعام خود را به وی دادند. شب دوم فقیروی و شب سوم نیز اسیری در خانه آنان را زد و همان عمل قبلی تکرار گشت. در این موقع این آیه فرود آمد که آنان درحالی‌که غذا را دوست داشتند، آن را به سه نفر تقدیم کردند.

اینها مواردی است که قرآن از آن یاد می‌کند. اکنون موضوع را از راه دیگر تحلیل می‌کنیم.

- فرق ایثار با سخاوت**

واژه‌های ایثار و سخاوت در لسان مردم فراوان گفته می‌شود و هر دو از صفات جمیله انسان‌های والاّست؛ اما درجه ایثار بالاتر از سخاوت است. فرد ایثارگر با داشتن نیاز، آن را در اختیار دیگری می‌گذارد و خود با گرسنگی، به سر برده؛ ولی نیازمندی را سیر می‌کند؛ اما فرد سخی، زائد بر زندگی را به نیازمندان می‌دهد.

اتفاقاً طبیعت نیز به‌نوعی راه سخاوت را در پیش می‌گیرد. درختان شمر آنچه را به آن نیاز ندارند، در اختیار انسان‌ها می‌گذارند؛ حتی قلب انسان، خون مورد نیاز خود را پخش نمی‌کند؛ بلکه خون مازاد را به سراسر بدن رها می‌کند؛ ولی انسان والاّ کمک به نیازمندان را بر نیاز خود مقدم می‌دارد و او را جزء جان خود و بخشی از هستی خود می‌اندیشد.

- ایثار به شکل دیگر**

در روایتی که هشام‌بن حکم از امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند، برای ایثار معنی برتری را یادآور شده است و آن این است که انسان در مقام بندگی به مقامی برسد که اوامر الهی را بر خواسته‌های درونی خویش مقدم بدارد. این نوع ایثار معنوی، مصداق برتر ایثار است. امام به هشام چنین می‌فرماید: «یا هشام قال الله جلّ وعزّ: وعزّتی وجلالی وعظمتی وقدرتی وبهائی وعزّای فی مکانی! لا یؤثر عبد هوای علی هواه الاّ جعلت الغنی فی نفسه؛ ای هشام خدا می‌فرماید: سوگند به عزت و جلال و عظمت و قدرت و برتری خویش در هر مکان! هیچ بنده‌ای هوای مرا بر خواسته‌های نفس خود ترجیح ندهد؛ مگر اینکه او را از



اخلاق در مکتب وحی

بیانگر فضائل و زائل اخلاقی در پرتو قرآن و احادیث اسلامی و کاوش‌های دانشمندان

آیت‌الله‌العظمی سبحانی
<div></div> <div>بخش یازدهم</div>
<p>سلسله مباحث اخلاقی از مجموعه کامل جلسات «اخلاق در مکتب وحی» مرجع عالی‌قدر آیت‌الله‌العظمی سبحانی هر هفته در «هفته‌نامه اقق» حوزه منتشر می‌گردد. در شماره ۷۸۵ مباحثی چون: صبر و بردباری و شکیبایی، اهمیت صبر در زندگی انسان، سخنی از امیرمؤمنان علی علیه السلام، تحریف حقایق، اشتباه و غلط‌اندازی بزرگ، سپاسگزاری از نیکوکار امر فطری است و... مطرح گردید. ادامه مباحث به شرح ذیل تقدیم می‌گردد.</p>

نظر روح و روان غنی می‌سازم.

یوسف علیه السلام دوران در خانه خلوت درباره خواسته یک زن صد در صد پرجاذبه، آن چنان مقاومت کرد که خواسته الهی را بر خواسته نفس اماره مقدم ساخت؛ سرانجام بر اثر علوّ همت، از زندان به مقام وزارت رسید و لذا در مقام توبیخ زن چنین گفت: «معاد الله اّنه ربی احسن مثوی؛ پناه می‌برم به خدا! او (شوهر زن) صاحب نعمت من است. مرا گرامی داشته است».

او هرچند اجابت درخواست زن را نوعی تجاوز به حقوق شوهر او قلمداد کرد؛ ولی این در حقیقت برای اقناع آن زن بود. آنچه او را در این امتحان سربلند کرد، احساس عظمت و بزرگواری خدای منان بود که اوامر او را بر خواسته نفس اماره مقدم داشت.

- آیت‌الله صدررحمته الله در مسند ایثار**
- آیت‌الله حائری در سال ۱۳۴۰ ه.ق اساس حوزه علمیه قم را پی‌ریزی کرد و تا سال ۱۳۵۵ مدیریت آنجا را بر عهده داشت و با عقلانیت خاص و الطاف الهی توانست، در سخت‌ترین شرایط حوزه را از شر دشمنان حفظ کند.

به‌هنگام درگذشت، مدیریت حوزه را سه مرجع عالی‌قدر بر عهده گرفتند؛ یعنی آیت‌الله صدر، آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری رحمته الله. در عین حال مدیریت، بیشتر با مرحوم صدر بود.

در سال ۱۳۶۳ هجری قمری مرحوم آیت‌الله بروجردی در بیمارستان فیروزآبادی بستری شد. مرحوم صدر بعد از مشورت با دو مرجع، تصمیم گرفت، ایشان را برای اقامت در قم دعوت کند. حضرت بروجردی رحمته الله نیز پس از مذاکراتی دعوت را پذیرفت و بعد از مرخصی از بیمارستان، با جمعی که او را همراهی می‌کردند، رهسپار قم شد و پس از اندی، زمام حوزه را به دست گرفت. سخن اینجاست که آیت‌الله صدر رحمته الله جای خاصی برای تدریس و اقامه نماز جماعت در حرم داشت؛ ولی همه را به آیت‌الله بروجردی رحمته الله تفویض کرد و خود کنار رفت. یک چنین ایثار بسپار ارزنده، آموزنده و کمیاب است.

- ایثار به‌گونه دیگر**

ایثار همان‌طور که گفته شد، این است که نعمتی که انسان در اختیار دارد، با وجود نیاز به دیگری واگذار کند؛ برتر در موضوعات تخصصی، هدایت، حمایت و نظارت بر امور نخبگان و استعدادهای برتر تبلیغی، معاونت تبلیغ حوزه علمیه خوزستان نیز، مانند سایر استان‌ها در زمینه شناسایی و جذب نخبگان تبلیغی فعالیت خود را آغاز نموده و در این زمینه تا ۲۰ اسفند از طلاب واجدالشرایط ثبت‌نام به‌عمل می‌آورد.

وی افزود: محوره‌های جذب طلاب و روحانیون نخبه تبلیغی به این شرح است:

سخن بزرگان

آیت‌الله مجتهدی تهرانیرحمته الله

اگر قلب ما زنگ بزند... برای اینکار باید سحرها قرآن بخوانید تا قلبتان جلا یابد. همچنین جان انسان را استغفار در سحرگاهان و یتیم‌نوازی جلا می‌دهد، شخص ثروتمند تنها با دست کشیدن بر سر یتیم قلبش جلا پیدا نمی‌کند؛ بلکه باید یتیمان را از نظر مادی تأمین کند و مشکلات مالی آنها را برطرف کند. پس یادتان باشد که رحم کردن به یتیم با خلوص نیت قلب را جلا می‌دهد.

شرح دعای روز هشتم

دکتر سوندی را پزشک ایرانی ترجمه می‌کرد.

دکتر سوندی: سال جاری در آنکارا کنگره‌ای در مورد الکل تشکیل خواهد شد. آمده‌ام نظریه اسلام را در این موضوع از حضرت‌عالی بشنوم و آنکه چرا اسلام مواد الکلی را تحریم کرده است.

آیت‌الله‌العظمی بروجردی: امتیاز انسان بر دیگر جانداران، در خرد و عقل است و الکل، دشمن عقل و خرد است.

دکتر سوندی: از پاسخ جناب‌عالی خوشحال شدم؛ اما این زیاده‌روی در مصرف الکل است که دشمن عقل و خرد است؛ نه اندازه کم.

آیت‌الله بروجردی: انسان حالت زیاده‌طلبی دارد. مصرف الکل به‌صورت کم به‌تدریج بالا می‌رود و به‌همان حد دشمنی عقل و خرد می‌رسد.

دکتر سوندی: درخواست می‌کنم، بیانیه‌ای در این مورد مرقوم بفرمایید تا به زبان انگلیسی ترجمه شود و در کنگره قرائت گردد.

آیت‌الله بروجردی رحمته الله نگاهی به اطراف خود کرد و چشمش به مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله افتاد که برای عرض سپاس از انجام عملی شرفیاب شده بودند.

فرمود: آقای سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی از علمای اسلام‌اند و تفسیری دارند. ایشان در این مورد بیانهای بنویسند تا در کنگره قرائت شود.

- ارزش تفکر**

از این بیان می‌توان به ارزش تفکر و اندیشیدن پی برد. اتفاقاً در روایتی از امام هشتم علیه السلام چنین وارد شده است: «لیست العبادة كثرة الصلاة والصوم، انما العبادة التفکر فی أمرالله عزّ وجلّ».

پرستش خداوند با فروزی نماز وروزه نیست، پرستش حقیقی، اندیشدن با اوامر الهی است.

نظر حضرت این است که نماز و روزه وظیفه اعضاء است؛ اما اندیشیدن در اوامر خداوند وظیفه نفس است و عمل نخست بدون تفکر در اوامر الهی، عبادت بی‌روح است.

در حدیثی امیرمؤمنان علیه السلام اندیشدن را مایه رفع غفلت از روح و روان معرفی می‌کند و به سه چیز امر می‌کند: «۱. بنة التفکر قلبک: روح و روان و نفس خود را با اندیشیدن بیدار ساز.

۲. وجاف عن اللیل جنبک: در نیمه شب خویشن را از بستر دور بساز (برای ادای نماز شب آماده شو).

۳. واتق الله ربک: از مخالفت خداوند بپرهیز.

این سه دستور کمال ارتباط را با هم دارند و انجام هرسه، انسان را از خواب غفلت بیدار می‌سازد. از یک طرف اندیشیدن در عالم هستی و خویشن که چگونه آفریده شده و غرض از آفرینش چیست؟ طبعاً به این نتیجه می‌رسد که خالقِ او را از نیستی به هستی آورده است. طبعاً انسان با این حالت آماده می‌شود که در نیمه‌شب سپاسگوار او باشد و از طرف دیگر، نفس اماره او را در زندگی رها و آزاد می‌سازد که طبعاً بخشی از آنها حرام است؛ لذا می‌فرماید: «واتق ربک».

محقق طوسی رحمته الله می‌فرماید: از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: «تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة». مسلماً لفظ سبعین (و ستین) کنایه از کثرت است؛ قطعاً این تعبیرها مبالغه نیست؛ زیرا انسان با بال تفکر به عالی‌ترین منازل از علم و معرفت می‌رسد و در کلام امیرمؤمنان علیه السلام بیان شد که نفس بدون تفکر خواب آلود و پتورده است.

- تفکر چیست؟**

تفکر یک معنای واضح و روشنی دارد. در همین مذاکره دکتر سوندی با آیت‌الله بروجردی رحمته الله می‌توان حقیقت تفکر را دریافت نمود و آن این است که انسان موضوع را (نوشیدن شراب) مطرح می‌کند و اطراف ضرر و سودهای آن می‌اندیشد. آنجا یقین پیدا می‌کند که ضرر آن بیش از سود موقت آن است. در این موقع به حقیقت می‌رسد و آن اینکه باید در زندگی از مصرف الکل اجتناب کرد. علماء و دانشمندان آن را چنین تعریف می‌کنند. الفکر حركة من المبادی ومن مبادی الی المراد اندیشیدن این است که از مقدمات، انسان به نتیجه برسد.

خواجeh عبدالله انصاری تفکر را چنین تعریف می‌کند: «اعلم أنّ التفکر تلمس البصيرة لاستدراک البغیة؛ بدان تفکر جست‌وجو کردن بصیرت قلب برای درک آرزوها و خواسته‌هاست» و مقصود از آرزوها و خواسته‌ها، رسیدن به مراتب بالای معنویت است.

- شرط نتیجه‌بخش بودن تفکر**

مقام و ارزشمندی تفکر با بیانات پیشین روشن گشت؛ اما هر تفکری نمی‌تواند انسان را به نتیجه برساند؛ مگر

- سال بیست و دوم
- شماره ۷۹۱
- دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲
- صفحه ۵۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly
<ul style="list-style-type: none">صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: رضارستمی سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه تلفن: ۰۲۳۹۰۰۵۳۸ • شماره: ۰۳۲۹۰۱۵۲۳ صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱ نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، بلاک ۱۵ پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵

عطریار

ای بشارت قرآن! ظهور کن

محمدعلی بیابانی

ای آشکار از همه پنهان، ظهور کن تا جان به لب نیامده، ای جان! ظهور کن خورشید آسمان علی! آشکار شو ماه تمام نیمهٔ شعبان! ظهور کن جاء الحق است زینت دیوارهای شهر برگرد ای بشارت قرآن! ظهور کن خشکیم، بایریم، کویریم، تشنه‌ایم بی‌حاصلیم حضرت باران! ظهور کن من ظلمتم به تو نرسم دیر می‌شود پس لطف کن به قلب من الآن ظهور کن بر خاک‌های فکه، شلمچه، دوکوهه، فاو با خون نوشته‌اند شهیدان: ظهور کن مسمار شاهد است که زهرا مرضیه می‌گفت پشت آن در سوزان ظهور کن آقا به حق دست بریده بیا بیا آقا به حق ساقی طفلان، ظهور کن آقا به حق آن لب عطشان بیا بیا آقا به حق آن تن عریان، ظهور کن آقا به حق آن سر مابین طشت زر آقا به حق آن لب ودندان، ظهور کن

اینکه خود را از تمام میول و گرایش‌ها رها سازد. در این مورد دو مثال روشن داریم: شب عاشورا دو نفر در مشارکت در قتل حسین علیه السلام اندیشیدند: یکی عمرین سعد و دیگری حزبن یزید ریاحی؛ اولی به این نتیجه رسید که ملک ری آرزوی دیرینه اوست؛ لذا آن را بر قتل حسین علیه السلام ترجیح داد و دیگری حربن یزید ریاحی بود که گفت: مشارکت در این قتل، موجب برتری رتبه من نزد حاکم اموی خواهد بود؛ اما این برتری موقت در مقابل آن عذاب ابدی، ناچیز است.

- موارد تفکر**

مسلماً تفکر یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است؛ لذا مجنون و افراد کم‌خرد از این نعمت محروم‌اند؛ اما باید موارد تفکر را تعیین کرد و آن اینکه چه چیز در قلمروی تفکر ما قرار می‌گیرد. شکی نیست که معرفت‌الله از طریق تفکر، زیمت روح و کمال نفس است؛ اما قلمروی تفکر شناخت صفات خداوند و جلال خداست و اما کُنه وجود او از افق فکر انسان بیرون است.

امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید: «تکلموا فی خلق الله ولا تکلموا فی الله فان الکلام فی الله لا یزاد صاحبه الاّ تحیراً؛ درباره جهان آفرینش بیندیشید و هرگز در کُنه ذات خداوند سخن نگوئید که هرچه انسان بیندیشد، جز تحیر و سرگردانی نصیب او نمی‌شود». در روایت دیگر می‌فرماید: «یاکام والتفکر فی اللهولکن اذا أردتم أن تنظروا الی عظمته فانظروا الی عظیم خلقه؛ مبادا درباره کُنه وجود خدا بیندیشید! اگر علاقه‌مندید عظمت خدا را درک کنید، به جهان آفرینش بنگرید.

مقاد مجموع روایاتی که در مورد نهی از تفکر در خدا وارد شده است، نهی از شناخت کُنه وجود خداوند است که هرگز در ارق فکر انسان قرار نمی‌گیرد؛ زیرا او مثل و مثالی ندارد تا از این طریق شناخته شود. شیخ عطار می‌گوید:

دائماً او پادشاه مطلق است در کمال عز خود مستغرق است او به سر ناید ز خود آنجا که اوست کی رسد علم و خرد آنجا که اوست

قرآن مجید برای شناخت خداوند، دستور می‌دهد که جهان آفرینش را مورد مطالعه قرار دهند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿یتفکرون فی خلق السموات والأرض﴾.

بنابراین نباید روایاتی که به‌نوعی بر تحریم درباره تفکر در خداوند وارد شده است، سبب شود که بحث‌های کالهی و فلسفی که دور از شناخت کُنه خداوند است، ترک گردد. خوشبختانه خطبه‌های امام علیه السلام در نهج‌البلاغه بهترین راه‌گشاست.

- پی‌نوشت‌ها**

۱. حشر، ۱۹؛
۲. مجمع‌البیان، ۳۹۷/۱۰؛
۳. انسان، ۴۸؛
۴. مجمع‌البیان، ۶۱۷/۱۰؛
۵. یوسف، ۲۳؛
۶. بخارالانوار، ۱۵۷/۱؛
۷. کافی، ۵۵/۲ کتاب الایمان و الکفر؛
۸. کافی، ۵۴/۲ کتاب الایمان و الکفر؛
۹. اوصاف الاشراف، ۱۶۱؛ ولی در بخارالانوار: ۲۹۳/۶۹ به جای سبعین، ستین نقل شده است

۱۰. منازل‌الساترین، ۱۸؛
۱۱. کافی، ۹۲/۱؛
۱۲. آل‌عمران، ۱۹۱.

۱. خطیب و سخنور ۲. جوان و دانشجو ۳. کودک و

نوجوان ۴. هنر و رسانه ۵. فضای مجازی ۶. فرق وادیان ۷. هیئات مذهبی ۸. آسیب‌های اجتماعی ۹. بین‌الملل (خارج از کشور) ۱۰. کارشناسان صدا و سیما ۱۱. مدیران گروه‌های تبلیغی جهادی؛

معاون تبلیغ حوزه علمیه خوزستان بیان کرد: قطعاً ورود در این عرصه‌ها و شناسایی نخبگان تبلیغی برتر در چند جهت مورد توجه می‌باشد که اهمیت این موضوع را

برتر در موضوعات تخصصی، هدایت، حمایت و نظارت بر امور نخبگان و استعدادهای برتر تبلیغی، معاونت تبلیغ حوزه علمیه خوزستان نیز، مانند سایر استان‌ها در زمینه شناسایی و جذب نخبگان تبلیغی فعالیت خود را آغاز نموده و در این زمینه تا ۲۰ اسفند از طلاب واجدالشرایط ثبت‌نام به‌عمل می‌آورد.

وی افزود: محوره‌های جذب طلاب و روحانیون نخبه تبلیغی به این شرح است:

حجت‌الاسلام مرشدیان معاون تبلیغ حوزه علمیه خوزستان در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه در اهواز، بیان کرد: با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در امر مهم تبلیغ و نگاه تخصصی به امور تبلیغی و همچنین با عنایت به سند چشم‌انداز و نظامات جامع حوزه‌های علمیه کشور و در راستای مشارکت کلیه واحدهای مرکز مدیریت در برنامه‌ریزی جامع و هدفمند به‌منظور شناسایی، جذب و بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت نخبگان و استعدادهای

فراخوان جذب نخبگان تبلیغی برتر حوزه علمیه خوزستان